**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه392 – 06/ 11/ 1399 روایت علی بن محمد القاسانی /اخبار /ادله /استصحاب**

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

بحث درباره مکاتبه علی بن محمد القاسانی بود.

كتبت إليه و أنا بالمدينة عن اليوم الذي يشك فيه من شهر رمضان هل يصام أم لا فكتب ع اليقين لا يدخل فيه الشك صم‏ للرؤية و أفطر للرؤية[[1]](#footnote-1)

# سند مکاتبه علی بن محمد قاسانی

درباره سند از حاج آقای والد این بحث را نقل کردیم که آیا علی بن محمد القاسانی که همان علی بن محمد بن شیره است، با علی بن شیره وحدت دارند؟

مرحوم شیخ در رجال در اصحاب الهادی ع، علی بن شیره و علی بن محمد القاسانی را پشت سر هم ذکر کرده و علی بن شیره را توثیق کرده و علی بن محمد قاسانی را تضعیف کرده است.

## وحدت علی بن محمد قاسانی و علی بن محمد بن شیره قاشانی

در کلام برخی مانند مرحوم آقای داماد و آقا سید محمد سعید حکیم، بحث به نحوی دیگر مطرح شده که علی بن محمد قاسانی که در رجال شیخ وارد شده با علی بن محمد بن شیره قاسانی (قاشانی) که در رجال نجاشی نقل شده و از عبارت نجاشی، مدح یا احیانا توثیق او استفاده می شود، وحدت دارند؟

ما این بحث را مفروغ عنه گرفتیم که علی بن محمد بن شیره قاسانی (قاشانی) که نجاشی او را ترجمه کرده و از احمد بن محمد بن عیسی نقل کرده که غمز عليه أحمد بن محمد بن عيسى و ذكر أنه سمع منه مذاهب منكرة و ليس في كتبه ما يدل على ذلك.[[2]](#footnote-2) با علی بن محمد قاسانی که شیخ طوسی ترجمه و تضعیف کرده، وحدت دارند. به همین دلیل محور بحث را این قرار دادیم که آیا علی بن شیره و علی بن محمد القاسانی که با علی بن محمد بن شیره قاسانی (قاشانی) یکی است، وحدت دارند؟ اما در کلام مرحوم آقای داماد[[3]](#footnote-3) و آقا سید محمد سعید حکیم[[4]](#footnote-4) این مطلب نیز محل بحث قرار گرفته که آیا علی بن محمد قاسانی و علی بن محمد بن شیره قاسانی (قاشانی) وحدت دارند؟

شاید روشن به نظر برسد که این دو راوی وحدت دارند و صرف تفاوت قاسان و قاشان، موجب تفاوت نیست. زیرا معرّب کاشان گاه به صورت قاسان تلفظ شده و گاه به صورت قاشان تلفظ می شود. حتی در خود رجال نجاشی و در اسناد نسخه بدل هم قرار گرفته اند. پس عمده بحث وحدت و عدم وحدت علی بن محمد بن شیره و علی بن شیره است.

## ظن به وحدت علی بن شیره و علی بن محمد بن شیره

وجود دو نفر که با روات ارتباط دارند به نام شیره که نامی بسیار نادر است، بسیار بعید است. مرحوم آقای خویی که علی بن شیره و علی بن محمد بن شیره را متعدد می داند، قائل به وجود دو نفر به نام شیره نیست بلکه علی بن شیره را پسر شیره و علی بن محمد شیره را نوه شیره می داند. در مقابل حاج آقای والد با قرائنی متمایل به وحدت علی بن شیره و علی بن محمد بن شیره می شوند. هر چند مظنون هم همین مطلب است اما حصول اطمینان به وحدت به خصوص با کنار هم ترجمه شدن علی بن شیره و علی بن محمد قاسانی در کلام شیخ طوسی، مشکل است.

آقای سید محمد سعید حکیم در پاسخ به استشهاد به روایت محمد بن احمد بن یحیی برای توثیق، بیان می کند: روشن نیست محمد بن احمد بن یحیی از علی بن محمد قاسانی که شیخ تضعیف کرده، نقل روایت کرده باشد و ممکن است از علی بن محمد قاشانی که نجاشی توثیق کرده، روایت کرده باشد. پس معلوم نیست علی بن محمد موجود در سند مکاتبه، همان علی بن محمدی باشد که در نوادر از او روایت شده است.[[5]](#footnote-5)

اما همانگونه که بیان شد: وجود دو نفر به نام علی بن محمد قاشانی یا قاسانی که از نظر نام و شهر متحد هستند و از این دو نیز رجال قوم مانند محمد بن احمد بن یحیی، صفار و سعد بن عبد الله نقل روایت کنند، بسیار بعید است و نباید در وحدت این دو عنوان تردید کرد.

پس مدح نجاشی و تضعیف شیخ طوسی درباره یک نفر است و همین یک شخص توسط احمد بن محمد بن عیسی به علت مذاهب منکره قدح شده است. به نظر ما امارات توثیق بیش از امارات ضعیف است. در نتیجه، علی بن محمد بن شیره قاسانی و علی بن محمد قاسانی وحدت دارند و این راوی توثیق می شود. اگر این عناوین با علی بن شیره نیز وحدت داشته باشند، وثاقت این راوی روشن تر خواهد بود.

# متن مکاتبه

درباره متن این روایت، مرحوم نائینی یقین و شک را به معنای متیقن و مشکوک قرار داده، فرمود: روز مشکوک را داخل در روزهای قطعی ماه رمضان قرار ندهید. [[6]](#footnote-6)

## مؤیدات معنای کردن شک به مشکوک

برای تأیید استعمال شک به معنای مشکوک می توان به این روایت استشهاد کرد:

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى قَالَ كَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو عَمْرٍو أَخْبِرْنِي يَا مَوْلَايَ أَنَّهُ رُبَّمَا أَشْكَلَ عَلَيْنَا هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا نَرَاهُ وَ نَرَى السَّمَاءَ لَيْسَتْ فِيهَا عِلَّةٌ فَيُفْطِرُ النَّاسُ وَ نُفْطِرُ مَعَهُمْ وَ يَقُولُ قَوْمٌ مِنَ الْحُسَّابِ قِبَلَنَا إِنَّهُ يُرَى فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ بِعَيْنِهَا بِمِصْرَ وَ إِفْرِيقِيَةَ وَ الْأُنْدُلُسِ فَهَلْ يَجُوزُ يَا مَوْلَايَ مَا قَالَ الْحُسَّابُ فِي هَذَا الْبَابِ حَتَّى يَخْتَلِفَ الْفَرْضُ عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ فَيَكُونَ صَوْمُهُمْ خِلَافَ صَوْمِنَا وَ فِطْرُهُمْ خِلَافَ فِطْرِنَا فَوَقَّعَ ع لَا تَصُومَنَّ الشَّكَّ أَفْطِرْ لِرُؤْيَتِهِ وَ صُمْ لِرُؤْيَتِهِ.[[7]](#footnote-7)

شک در لَا تَصُومَنَّ الشَّكَّ به معنای یوم الشک است و شک به معنای مشکوک به کار رفته است.

روایت دیگری که می تواند برای معنای مرحوم نائینی تأیید آورد، این روایت است:

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ نَصْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: أَتَيْنَا أَبَا جَعْفَرٍ ع فِي يَوْمٍ يُشَكُّ فِيهِ مِنْ رَمَضَانَ فَإِذَا مَائِدَتُهُ مَوْضُوعَةٌ وَ هُوَ يَأْكُلُ وَ نَحْنُ نُرِيدُ أَنْ نَسْأَلَهُ فَقَالَ ادْنُوا الْغَدَاءَ إِذَا كَانَ مِثْلُ هَذَا الْيَوْمِ وَ لَمْ تَجِئْكُمْ فِيهِ بَيِّنَةُ رُؤْيَةِ الْهِلَالِ فَلَا تَصُومُوا ثُمَّ قَالَ حضرت ع روایتی را از پیامبر ص نقل می کند و در انتها می فرماید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَلْحَقَ فِي رَمَضَانَ يَوْماً مِنْ غَيْرِهِ مُتَعَمِّداً فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ بِاللَّهِ وَ لَا بِي.[[8]](#footnote-8)

الیقین لا یدخل فیه الشک دقیقا می تواند به معنای أَلْحَقَ فِي رَمَضَانَ يَوْماً مِنْ غَيْرِهِ باشد.

## اشکال: عدم صحت تفریع افطر للرؤیه

اشکالاتی بر معنای مختار مرحوم نائینی وارد شده است.

یکی از اشکالات این بود که ظاهر روایت این است که هر دو صم للرؤیه و افطر للرؤیه تفریع بر الیقین لا یدخله الشک شده است. هر چند صم للرؤیه می تواند متفرع بر الیقین لا یدخله الشک بنابر معنای ایشان باشد اما افطر للرؤیه اینگونه نیست زیرا یوم الشک در انتهای ماه رمضان باید روزه گرفته شود و به منزله روزهای ماه رمضان تلقی کنیم. پس المشکوک فی رمضانیته به منزله المتیقن فی رمضانیته تلقی شده است.

این اشکال را می توان به دو نحو پاسخ داد.

### پاسخ اول: اراده ماه بعد از مشکوک

از روایات باب یوم الشک و هلال یوم رمضان (صم للرؤیه و افطر للرؤیه) استفاده می شود که مدار در اول ماه است به این معنا که تا دخول ماه بعد ثابت نشود نمی توان احکام ماه بعد را مترتّب کرد. بنابراین «الیقین لا یدخل فیه الشک» اینگونه معنا می شود که روزی که مشکوک است از رمضان باشد، آن را جزء ماه رمضان قرار ندهید. روزی که شک دارید با آن روز ماه شوال آغاز شده، آن را جزء ماه شوال قرار ندهید که بالملازمه از آن استفاده می شود این روز را باید جزء ماه رمضان قرار داد. صم للرؤیه و افطر للرؤیه نیز بر همین معنا متفرع می شود و مراد از یقین، یقین به ماه رمضان و ماه شوال است.

این معنا به نحوی خلاف ظاهر است زیرا «عن الیوم الذی یشک فیه من شهر رمضان» نامی از ماه شوال برده نشده و تنها شک در ماه رمضان مطرح است. به همین دلیل معنا کردن یقین در الیقین لا یدخل فیه الشک به یقین به رمضان و شوال خالی از بعد نیست.

مرحوم حاج آقا مرتضی حائری اشکال دیگری را طرح کرده که لازمه معنای مختار مرحوم آخوند (یقین به دخول رمضان و خروج ماه رمضان) و همچنین مطابق معنای مرحوم نائینی (مراد از یقین و شک، متیقن و مشکوک است و متعلق آن ماه رمضان است)، تثنیه ذکر کردن یقین و شک است به این صورت: یقین به رمضان و شوال و شک در رمضان و شوال.[[9]](#footnote-9)

### پاسخ دوم: سوال از یوم الشک اول رمضان

به نظر می رسد سوال علی بن محمد قاشانی (بالمدينة عن اليوم الذي يشك فيه من شهر رمضان هل يصام أم لا) درباره یوم الشک اول است که مردّد بین روز آخر شعبان و روز ابتدایی ماه رمضان است. زیرا:

اولا: در یوم الشک آخر که مردّد بین ماه رمضان و شوال است، تردیدی در وجوب صوم نیست و یوم الشک اول مورد بحث است.

ثانیا: با مراجعه به روایات باب یوم الشک و تعبیراتی مانند یوم یشک فیه، یوم الشک، الیوم المشکوک روشن می شود مراد از اطلاق یوم الشک، شک در ابتدای ماه رمضان است.

در ادامه برخی از این روایات که در جامع الاحادیث ج 10، ص: 33 به بعد باب 17 از ابواب فضل صوم وارد شده، مرور می شود.

عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا ع يَقُولُ الصَّوْمُ لِلرُّؤْيَةِ وَ الْفِطْرُ لِلرُّؤْيَةِ وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ صَامَ قَبْلَ الرُّؤْيَةِ لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطَرَ قَبْلَ الرُّؤْيَةِ لِلرُّؤْيَةِ قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا تَرَى فِي صَوْمِ يَوْمِ الشَّكِّ فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَأَنْ أَصُومَ يَوْماً مِنْ شَهْرِ شَعْبَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُفْطِرَ يَوْماً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.[[10]](#footnote-10)

در این روایت موضوع بحث صوم مردّد بین شعبان و رمضان قرار داده شده است.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ فَإِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ مَنْ صَامَهُ بِمَنْزِلَةِ مَنْ أَفْطَرَ يَوْماً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ كَذَبُوا إِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَهُوَ يَوْمٌ وُفِّقَ لَهُ وَ إِنْ كَانَ مِنْ غَيْرِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَا مَضَى مِنَ الْأَيَّامِ.[[11]](#footnote-11)

ما مضی من الایام یعنی ایام ماه شعبان و موضوع روایت هم یوم الشک مردد بین شعبان و رمضان است.

عَنْ بَشِيرٍ النَّبَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الشَّكِّ فَقَالَ صُمْهُ فَإِنْ يَكُ مِنْ شَعْبَانَ كَانَ تَطَوُّعاً وَ إِنْ يَكُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَوْمٌ وُفِّقْتَ لَهُ.[[12]](#footnote-12)

از مجموع این روایات و روایت 10 و 11 همین باب و روایات دیگر، استفاده می شود یوم الشک را باید به نیت شعبان روزه گرفت نه به نیت رمضان.

عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع رَجُلٌ صَامَ يَوْماً وَ لَا يَدْرِي أَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هُوَ أَوْ مِنْ غَيْرِهِ فَجَاءَ قَوْمٌ فَشَهِدُوا أَنَّهُ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ عِنْدَنَا لَا يُعْتَدُّ بِهِ فَقَالَ بَلَى فَقُلْتُ إِنَّهُمْ قَالُوا صُمْتَ وَ أَنْتَ لَا تَدْرِي أَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا أَمْ مِنْ غَيْرِهِ فَقَالَ بَلَى فَاعْتَدَّ بِهِ فَإِنَّمَا هُوَ شَيْ‏ءٌ وَفَّقَكَ اللَّهُ لَهُ إِنَّمَا يُصَامُ يَوْمُ الشَّكِّ مِنْ شَعْبَانَ وَ لَا يَصُومُهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّهُ قَدْ نُهِيَ أَنْ يَنْفَرِدَ الْإِنْسَانُ بِالصِّيَامِ فِي يَوْمِ الشَّكِّ وَ إِنَّمَا يَنْوِي مِنَ اللَّيْلَةِ أَنَّهُ يَصُومُ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْزَأَ عَنْهُ بِتَفَضُّلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ بِمَا قَدْ وَسَّعَ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَهَلَكَ النَّاسُ.[[13]](#footnote-13)

در روایات 4 و 5 و 9 باب آمده است که اگر کسی یوم الشک رمضان را روزه بگیرد و بعدا معلوم شود همینطور بوده است. از این تعبیر استفاده می شود که یوم الشک اول رمضان مراد است زیرا کشف یوم الشک آخر ماه رمضان نادر است که کشف شود از رمضان بوده است.

در روایاتی از صوم یوم الشک نهی شده است. مراد صوم یوم الشک از یوم مردّد بین شعبان و رمضان است. مانند روایت عبدالکریم بن عمرو و کرّام[[14]](#footnote-14) که در آنها از روزه گرفتن در الیوم الذی یشک فیه یا الیوم الذی یشک فیه من رمضان نهی شده است. به این معنا که به نیت رمضان و روزه واجب نباید یوم الشک اول رمضان را روزه گرفت.

همچنین در روایت قتیبه الاعشی و حسین بن زید که در ابواب الصوم المحرّم جامع الاحادیث وارد شده، از روزه یوم الشک نهی شده، مراد یوم الشک اول رمضان است.

بنابراین سوال در «عن الیوم الذی یشک فیه من رمضان» اول ماه رمضان است. مطابق معنای مرحوم نائینی، روایت بیان می کند: یوم الشک را جزء ایام متیقن رمضان قرار نده. پس صم للرؤیه تنها تفریع بر الیقین لا یدخله الشک است و افطر للرؤیه بیان قاعده دیگری است که بیان می کند: هم صوم و هم افطار باید یقین باشد.

با توجه به این نکته، تمام اشکالات زیر پاسخ داده می شود.

1. اگر مراد از شک، شک در شوال باشد، ال را نمی توان عهد بر قبل قرار داد و تنها باید شک در رمضان را مطرح کرد.
2. باید شک و یقین مثنی ذکر می شد.
3. افطر للرؤیه نمی تواند متفرع باشد.

مطابق معنای مرحوم نائینی، روایت بیان می کند: یوم مشکوک از رمضان را جزء ایام متیقن رمضان قرار نداد.

البته این مطلب که یقین و شک به معنای متیقن و مشکوک باشد، روشن نیست اما اشکالاتی که آقایان به کلام مرحوم نائینی وارد کردند و مرحوم آقای خویی، شهید صدر و آقای حائری و دیگران پذیرفتند، قابل پاسخگویی است.

اگر این روایت مربوط به استصحاب نباشد، معنایی که مرحوم آخوند مطرح کرده، معنای روشن تری است که در جلسه آینده بیشتر درباره آن بحث خواهیم کرد.

1. تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ؛ ج‏4 ؛ ص159 [↑](#footnote-ref-1)
2. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج، ص255.](http://lib.eshia.ir/14028//255/) [↑](#footnote-ref-2)
3. المحاضرات ( مباحث اصول الفقه )، ج‏3، ص: 43 [↑](#footnote-ref-3)
4. المحكم في أصول الفقه، ج‏5، ص: 56 [↑](#footnote-ref-4)
5. المحكم في أصول الفقه، ج‏5، ص: 56

   و لا سيما مع تأيده بعدم استثنائه من رجال نوادر الحكمة.

   فهي مدفوعة: بعدم الشاهد على الاتحاد، بل هو خلاف الأصل. و لعل الذي هو من رجال نوادر الحكمة هو الذي وثقه النجاشي و الشيخ. فلا طريق لإثبات وثاقة الرجل و تصحيح سند المكاتبة. فلاحظ. [↑](#footnote-ref-5)
6. أجود التقريرات، ج‏2، ص: 373 [↑](#footnote-ref-6)
7. تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، ج‏4، ص: 159، جامع الاحادیث؛ ج 10 ص: 324 رقم: 14779 باب 11 از ابواب فضل صوم روایت 1 [↑](#footnote-ref-7)
8. جامع الاحادیث، ج 10، ص: 336، رقم: 14804 باب 16 از ابواب فضل صوم، روایت 17 [↑](#footnote-ref-8)
9. مبانى الأحكام في أصول شرائع الإسلام، ج‏3، ص: 32 و ثانياً: إن كان المقصود خصوص اليقينين المستفادين من السابق يكون اللام عهداً إليهما، فالمتعيّن بحسب المحاورات هو التثنية لا الإفراد. [↑](#footnote-ref-9)
10. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج2 ، ص128.](http://lib.eshia.ir/11021/2%20/128/) [↑](#footnote-ref-10)
11. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص83.](http://lib.eshia.ir/11005/4/83/) [↑](#footnote-ref-11)
12. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص82.](http://lib.eshia.ir/11005/4/82/) [↑](#footnote-ref-12)
13. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص84.](http://lib.eshia.ir/11005/4/84/) [↑](#footnote-ref-13)
14. جامع الاحادیث؛ ج 11، ص: 602 رقم: 15563 و 15564 [↑](#footnote-ref-14)